کتاب

رضا هامون
روزنامه‌نگار

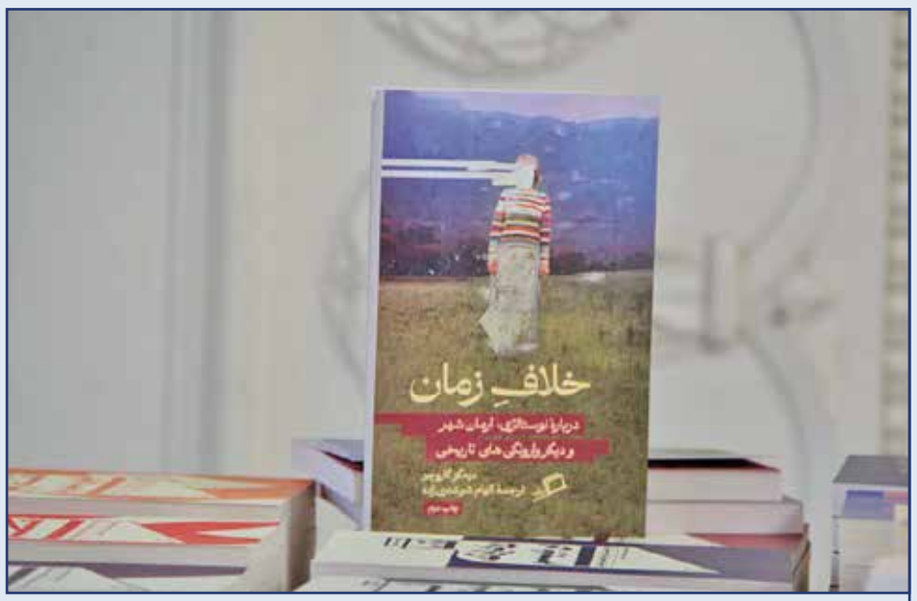

نگاهی به کتاب «خلاف زمان»

زمـان؛ خـاطره و فراموشـی

هر چه که تاریخ در طول زمان پیش می‌رود، مفهوم زمان هم تاریخمندتر می‌شود و این برانتزاعی‌تر شدن و پیچیدگی این مفهوم می‌افزاید. به عبـارت دیگر مفهوم «زمان» در نسبت با خود زمان، دچار قبض و بسط تئوریک شـده و به تجربه‌ای تفسـیر پذیر تبدیل می‌شـود که از پـس آن تجربه‌های انسانی با درک او از زمان گره می‌خورد. یکی از این مفاهیم زمانمند که با دنیای مدرن گره خـورده و به مسـأله اجتماعی تبدیل شده است، مفهوم نوستالژی است. میل به نوستالژی و تجربه‌های آن به یک کنش جمعی تبدیل نشده بود. قطعاً نارضایتی از زمان حال یکی از مهم‌ترین دلایلی است که گذشته را جذاب و خواستنی کرده و به یک حسرت نوستالژیک بدل می‌کند. به قول دیه‌گو گاروچو در کتـاب «خلاف زمان» که به تازگی از سوی نشر اطراف منتشر شده: «زمان همیشـه زمانِ از دست‌رفته است؛ گذشته‌ای خوش که تنها فایده‌اش نمایان کردن مشقت‌های اکنون است. امید امروز ما را فقط حسـرت کمال گذشـته اسـت که توجیـه می‌کند. زمانه ما را سـرخورده، مأیـوس و خشـمگین می‌کنـد چـون می‌توانیـم آن را با زمانه‌ای دیگر مقایسـه کنیم؛ زمانه‌ای عادلانه‌تر، زیباتر، کامل‌تر و حقیقی‌تر.» «خلاف زمان» تأملی فلسفی است درباره مواجهه با گذشته، زمان آگاهی و تجربه ناگزیر «حسـرت». «خلاف زمان» با نقد نگاه نوستالژی‌زده و کلان روایت‌های نوستالژی‌محور، بسـتری فراهم می‌کند تا خاطره، اسطوره، فراموشی، گذشته و تاریخ را از منظری جدید ببینیم.»

آنچه کتاب «خـلاف زمـان» را خواندنی‌تر می‌کند، سـاختار نوشـتاری آن اسـت که در قالب جستار نوشـته شده که با ترجمه خوب الهام شوشتری‌زاده پیوند خورده و بر جذابیت کتاب افزوده است. «خلاف زمان» که جسـتاری خواندنی درباره نوسـتالژی، آرمان‌شـهر و دیگر وارونگی‌هـای تاریخی است، تأملی فلسفی درباره زمان، خاطره و فراموشی است و مفهوم مدرن نوستالژی را با نگاهی به فلسـفه کلاسـیک می‌کاود. دیه‌گو گاروچو نویسـنده این جستار بلند، در سفری که از یونان باستان آغاز می‌شود و در خیابان‌های شـهرهای مدرن امروزی به پایان می‌رسـد، ادراکِ انسـانی از زمان، پیوند خاطره و اسـطوره و تاریـخ، معنای حسرت، وجوه سیاسی و اجتماعی یادآوری و فراموشـی، سرگذشـت و سـیر تحـول «نوستالژی» و نسبت نوستالژی، آرمان‌شهر و شهر مدرن را بررسی می‌کند.

گاروچو در «خلاف زمان» نشـان می‌دهد آرمان‌شهری که بر پایه نوستالژی بنا شده رو به آینده ندارد. گاهی حتی رو به گذشته هم ندارد و درواقع تکرار همین چیزی است که اکنون داریم. او می‌کوشد دریچه‌ای برایمان بگشـاید تا خاطره، اسـطوره، فراموشی، گذشته و تاریخ را از منظری جدید ببینیم. دیه‌گو گاروچو، استاد دانشگاه، فیلسوف و نویسنده این کتاب، یکی از جستارنویسان برجسـته اسپانیاسـت. عنوان اصلی این کتاب ریشه در زبان لاتین و اشاره به شیوه تاریخی سرکوب حافظه یک شخص دارد. بنابراین نویسنده در این جستار فلسفی، به رابطه بین نوستالژی، حسرت و فراموشی عمـدی گذشـته پرداخته اسـت و تلاش می‌کند مفهوم مدرن نوستالژی را با نگاهی به فلسفه کلاسیک بکاود.

در جهان امروز و از جملـه در جامعه ما، بسـیاری از تجربه‌هـای عاطفی و حسـی مثل اضطراب، حسرت، افسردگی، خشم و حتی عشق به مفهوم زمان و شیوه درک آن وابسـته اسـت. تلاش برای فراموش کردن تروماهای گذشـته یـا خاطرات بد از جملـه نبردهای انسـان امـروز با خود است. نیچه می‌گوید: «چیزی که یادمان می‌ماند، همانی اسـت که همواره آزارمان می‌دهد.» این جملـه نیچه لحن مطمئن و گسـتاخانه کودکی را دارد که حقیقتی را فاش می‌کند اما این جمله، به‌رغم زیبایی کم‌نظیرش، شاید همیشه و همه‌جا صادق نباشد. تجربه‌های فراموش‌نشدنی بسیاری در زندگی وجود دارند و در هر سرگذشت، خاطراتی تکرارنشدنی از روزهای خوش و لحظه‌های تابناک می‌یابیم؛ صحنه‌هایی کـه دل‌مان می‌خواهـد به آنهـا بازگردیم و آرزو می‌کنیـم که کاش همیشـه جایی برای بازگشـت بود. اما چقدر از خاطرات مـا واقعی هسـتند؟ آیـا حافظه کـه راه و رسـم فریب را بلد اسـت، برای سرپوش گذاشتن بر پوچی ما دست به کار می‌شود و از داسـتان‌پردازی و حتی از دروغ کمک می‌گیرد تا خاطرات‌مان را تحریف کند؟ از همان ابتدای کتاب، نویسنده به تعاملات پیچیده احساسـات مختلف انسان‌ها در برابر نوستالژی می‌پردازد و آنها را با اشتیاق و پاکسـازی عمـدی تاریخـی در کنار هم قرار می‌دهـد. این جفت شـدن به‌ظاهر متناقض، بسـتر فکـری کتـاب «خلاف زمان» را تشـکیل می‌دهد. دیه‌گو گاروچو معتقد است، نوستالژی یک خاطره ساده از گذشته نیست، بلکه فرآیندی انتخابی اسـت و افراد نه‌تنها تمایل دارند که تمام تجربیات گذشـتگان را به خاطر بسپارند و به یـاد بیاورند، بلکه جنبه‌هایـی از این خاطـرات را که با نیازهـای عاطفی کنونی و ادراک‌هایشـان مطابقت داشـته باشد، حفـظ می‌کنند و بـه خاطر می‌سـپارند. این فرآینـد انتخابی به‌ویـژه در خاطرات نوستالژیک برجسـته‌تر می‌شوند؛ جایی که افراد جنبه‌های ناخوشـایند گذشـته را به‌راحتـی حـذف می‌کننـد و درنتیجه خاطراتی پاکسازی‌شده و ایده‌آل از تاریخ ایجاد می‌کنند. تابِ «خلاف زمان» درواقع تلاشـی اسـت برای بازداشـتن حافظه از محکوم کـردن مـا. خواندن ایـن کتاب می‌توانـد ذهنیـت خواننـده را نسـبت به مفهـوم زمـان، احساسـات و عواطف برساخته از نسبت آدمی با آن تغییر دهد و حتی لمس نوستالژی را از حسرت به تجربه امید بدل کند.

> در جهان امروز و از جمله در جامعه ما، بسیاری از تجربه‌های عاطفی و حسی مثل اضطراب، حسرت، افسردگی، خشم و حتی عشق به مفهوم زمان و شیوه درک آن وابسته است

گزارش

مریم شهبازی
روزنامه‌نگار

نشست نقد و بررسی کتاب «خلاف زمان» با نگاهی به نوستالژی و آرمان‌شهر برگزار شد

گذشته فروختنی است

عکس: ایبنا

کتاب «خلاف زمان»، تأملی فلسفی است دربـاره مواجهه با گذشـته، زمـان حال و تجربه ناگزیر حسـرت. «خـلاف زمان» با نقد نگاه نوسـتالژی‌زده و کلان روایت‌های نوستالژی‌محور، بسـتری فراهم می‌کند تا خاطره، اسطوره، فراموشی، گذشته تاریخ را از منظـری جدیـد ببینیم، نوشـته‌ای از «دیه‌گو گاروچو» که بهانه برپایی جلسه‌ای برای نقد و بررسـی این کتاب شده است و همچنین چگونگی مواجهه آدمی با گذشته را از طرقی نظیر خاطره‌سازی، پناه بردن به نوستالژی و حتی تلاش برای فراموشی آن و البته وارونگی تاریخی را بررسی کرده است.

مرکز مطالعـات خاورمیانه به همت مجله فرهنگـی هنـری بخـارا و در همراهـی با انتشـارات اطراف، جلسـه‌ای بـرای نقد و بررسـی کتاب «خلاف زمان» نوشـته‌ای از «دیه‌گو گاروچو» درباره نوستالژی، آرمان‌شهر و دیگـر وارونگی‌هـای تاریخـی را با حضور الهام شوشتری‌زاده، مترجم این اثر و زانیار ابراهیمی مترجم و پژوهشگر حوزه اندیشه سیاسـی، نویـد پورمحمدرضـا مـدرس، نویسـنده و مترجـم در حـوزه مطالعـات شهری و همچنین علی دهباشی، نویسنده و سردبیر مجلات بخارا برگزار کرد.

قبل از ارائه آنچه در جلسـه نقد و بررسـی کتـاب «خـلاف زمـان» گذشـت، بـد نیسـت اشـاره‌ای به جایـگاه و تحصیلات این نویسـنده که اثرش به‌تازگی از سـوی انتشـارات اطراف روانه کتابفروشی شده داشته باشیم، کتابی که شوشتری‌زاده آن را بی‌واسطه از اسپانیایی به فارسی ترجمه کرده است. «دیه‌گو گاروچو» استاد فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسـی دانشگاه مادرید و دانش‌آموخته فلسـفه سیاسی دانشگاه مادرید و دانشگاه سوربن است. او در جستار بلند «خلاف زمان» که تأملی فلسفی درباره زمان، خاطره و فراموشـی اسـت، مفهوم مدرن نوسـتالژی را بـا نگاهی به فلسـفه می‌کاود. او در سـفری که از یونان باستان آغاز می‌شـود و در خیابان‌های شـهرهای مدرن امـروزی به پایـان می‌رسـد؛ ادراک انسـانی از زمان، پیوند خاطره و اسطوره و تاریخ، معنای حسـرت، وجوه سیاسـی و اجتماعی این مفاهیم و نسبت نوستالژی را با آرمان‌شهر و شهر مدرن بررسی می‌کند.

کتابی با نثر گیرا و ساختاری کاربردی

الهام شوشتری‌زاده، مترجم کتاب «خلاف زمـان» در ابتدای جلسـه با تأکیـد بر آنکه قصـد سـخنرانی چنـدان مفصلی نـدارد، چراکه نویسنده و مترجم با کتابی که روانه کتابفروشی‌ها می‌کند، هرآنچه قصد بیانش را دارد، به مخاطـب منتقل می‌کند، گفت: «به نظرم بهتر اسـت این قبیل نشسـت‌ها بیش از گفته‌های مترجم یا نویسنده کتاب به نقطه‌نظرات دیگر افراد حاضر اختصاص پیدا کند. آنان ممکن است کتاب را از زاویه دیگری ببینند که به چشـم مترجم و حتی ناشر اثر نیامده باشد! اما مختصری از آنچه سبب انتخاب این کتاب شـد و حتی دلیل اهمیت ناداسـتان خلاقانه و ترجمه‌اش از اسپانیایی را با شما درمیان می‌گذارم.»

او ادامه داد: «بعـد از ترجمه کتاب قبلی‌ام، به دنبال کتاب تـازه‌ای از همین زبان بودم. مدت‌هـا جسـت‌وجو کـردم، در نهایت از یک جایی به بعـد تصمیم گرفتم به سـراغ موضوعات مهم‌تری بـروم، دنبال این بودم که به جای جست‌وجو براساس نویسنده و ناشر، بنای انتخابم را بر مضامین و محتوای آثار بگذارم. راسـتش دغدغه‌ام این بود که چه عواملی مواجهه‌مان را با خاطره و حافظه تاریخی شکل می‌دهد، چه مسائلی دست به دست هم می‌دهند تا یک تصویری از گذشته در ذهن‌مان شکل بگیرد؛ تصویری که حتی ممکن است حال و آینده‌مان را براساس آن تعریف کنیم.»

او ادامه داد: «کافی است با گوشی موبایل‌تان چرخی در فضای مجـازی و توئیتر بزنید تا با مطالب و تصاویری از گذشته روبه‌رو شوید که اغلب در آن هستند و سایه سنگین گذشته بر سر حال و آینده وجود دارد. در جست‌وجوی میان آثار نویسندگان انگلیسـی زبان به اثر خاصی که با آن ارتباط برقرار کنم، برنخوردم، بخصوص که آنان تجربـه تاریخی متفاوتی از ما دارند و خب مضمون آن با دغدغه من که اینجا زندگی می‌کنم، شـباهتی نداشت. اما در آثار اسپانیایی‌زبان‌ها به نمونه‌های خوبی رسـیدم، جالب اینکه اسـپانیایی‌ها از نظر تاریخی هم تجربه‌هایی شبیه به ما دارند.»

شوشتری‌زاده یکی دیگر از شاخص‌هایی که او را به سوی ترجمه اثری با این مضمون کشانده، سـاختار و فرمی عنوان کرد که نویسـنده در تألیف کتاب «خلاف زمان» به کار برده است. این مترجم افزود: «کتـاب را که خواندم نثر بسـیار گیرای آن جذبـم کـرد، گاروچو این کتاب را در قالب جستارنویسـی نوشـته، ما شاید چنین آثاری را در نثر فارسی کمتر دیده باشیم، منتهی جستارنویسـی و استفاده از سبک ناداستان خلاقانه برای فلسفه‌نویس‌ها اتفاق تازه‌ای نیسـت. از طرفـی عمده آثاری که به فارسـی ترجمه شـده‌اند از کانال‌های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی گرفته شده‌اند، در این بین جای ترجمه از اسپانیایی با وجود شباهت‌هایی که اشاره شد خالی بود.»

این مترجـم در بخش دیگـری از گفته‌های خود با اشـاره به اینکه با وجـود نمونه‌های شاخصی که از جستارنویسی در جغرافیایی اسـپانیایی‌زبان منتشـر شـده، امـا عمده شناخت ما از کشورهای اسـپانیایی‌زبان به ادبیات و شعر آنها بازمی‌گرد، ادامه داد: «این در حالی است که زبان اسپانیایی در ناداستان نیز حرف‌های زیـادی دارد. جستارنویسـی فلسفی و اجتماعی در اسپانیا از قرن ۱۶ باب شده است، اما شروع آن در امریکایی لاتین به قـرن ۱۹ بازمی‌گردد. کشـورهای امریکای لاتیـن در ابتـدا تحت سـیطره اسـتعمار و سـنت غربی بودند، اما از یک زمان با وجود سیطره استعمار و سنت غربی با استفاده از جستارنویسی درصدد تعریف هویت فرهنگی خود برآمدند. از این زمان شاهد استفاده از قالب‌هایی هستیم که پیشتر برای مضامین فرهنگی مورد اسـتفاده فـرار نمی‌گرفتند. در سـال‌های اخیـر شـاهد شـکل‌گیری بده‌بستان‌های بیشتری میان فلسفه‌نویسی و قالب جستارنویسـی و ناداستان هستیم که ایـن اتفاق سـبب ورود نسـل تـازه‌ای از فلسفه‌نویس‌ها به عرصه شده است. در نسل جدید ناداستان‌نویسان فلسفی و اجتماعی اسپانیایی حضور بسیار پررنگی پیدا کرده‌اند.»

به گفته شوشتری‌زاده، مطالعه این کتاب با توجه به سیری جستارنویسی در کشورهایی نظیر اسپانیا طی کرده و از سویی شباهت‌های تاریخی‌مان اهمیت زیـادی دارد. وی افزود: «این کتاب در یک بستر فرهنگی شکل گرفته است. مطالعه این کتاب و شناخت آن برای ما که تجربه‌هایی مشابه داریم بسیار ارزشمند است. کتاب «خلاف زمان» جدا از مضمون اصلی‌اش، کارکرد مهم دیگری هم دارد، اینکه به افراد فعال در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی امکانی برای بیان دغدغه‌های آنان را می‌دهد. به کمک تجربه‌هایی که به نوعی در این کتاب بیان شـده، فرصتی برای بیان تجربه‌های خود را پیدا می‌کنیم.»

عبور از وضع موجود، با حذف سنت میانه‌ای ندارد

زانیار ابراهیمـی مترجم و پژوهشـگر حوزه اندیشه سیاسی، دیگر سخنران این نشست بود. او در ابتدا با شـرح چرایـی حضورش در جلسه نقد و بررسـی کتاب گفت: «حوزه تخصصی مـن بـه ژانـر الهیات و سیاسـی بازمی‌گردد، خـب بررسـی چگونگی ظهور دوران مـدرن، بـدون توجـه به ایـن حوزه معنایی ندارد. وقتی بـه غرب و جامعه امروز ایران می‌اندیشیم، این سؤال مطرح می‌شود که با سـابقه‌ای که داریم باید چکار بکنیم؟ غربی‌ها به این سـؤال یک پاسـخ سـفت و سـخت می‌دهند، اینکـه اگر مسـیحیت را نفهمیـم، مدرنیته را هـم نمی‌فهمیم. آنان تأکید دارند کـه مدرنیته پیونـدی با میراث مسیحی و یهودی دارد.»

او ادامـه داد: «مسـأله بعدی این اسـت که رابطه سنت با دوران مدرن چیست؟ آیا از هم جدا می‌شـوند؟ درباره جامعه ما هم همین است. ما فکر می‌کنیم رابطه‌مان را با سنت از دست داده‌ایم، در صورتی که اگر بخواهیم از وضع موجود عبور کنیم، چاره‌اش شناخت امکانات سنت است. مشکلی که ما در اندیشه سیاسـی داریم این اسـت که فکر می‌کنیم مشکل وضعیت امروزمان، سنت است و اگر آن را حذف کنیم، همه چیز حل می‌شـود. این در صورتی اسـت که سـنت را نمی‌توان حذف کرد، از هیچ دوره‌ای! به عقیده من، اگر خواهان عبور از وضع موجود هستیم، راه‌حل آن شناخت امکانات نهفته در سنت است.»

ابراهیمی در بخش دیگری از گفته‌های خود با اشـاره به کتاب «خلاف زمان» گفت: «به عقیده من ایـن کتاب عمق فلسـفی لازم را به مـا نمی‌دهد. بـا این حال عنـوان کتاب یک سـؤال مهم فلسفی اسـت. آیا می‌توان خلاف زمـان حرکت کرد؟ مـن می‌گویم نه اصلاً، اما اگر رابطه صحیحی برقرار نشود یک وارونگی تاریخی رقم می‌خورد. وقتی وارونگی تاریخی ایجاد شود، به‌دنبال یک عصر طلایی می‌گردیـم، عصری کـه گمـان می‌کنیم در آن هیچ مشـکلی نیسـت و درصدد رجعتی به آن عصـر برمی‌آییم، در حالـی که چنان عصر بی‌نقصی وجود ندارد. از سوی دیگر در متن کتاب شـتابزدگی‌هایی دیده می‌شود. نویسنده ارجاعات مختلفی در کتاب آورده، اما به سرعت از آنها رد می‌شـود. یکی از این موارد وقتی است که درباره بلومنبرگ صحبت می‌کند، درباره ترس از زمان صحبت می‌کند و آن را به مفهوم اسطوره ربط می‌دهد که من به این نقد دارم.»

> کتاب «خلاف زمان» جدا از مضمون اصلی‌اش، کارکرد مهم دیگری هم دارد، اینکه به افراد فعال در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی امکانی برای بیان دغدغه‌های آنان را می‌دهد

آرمان‌شهر بر ثبات زمان تأکید دارد

نویـد پورمحمدرضا مـدرس، نویسـنده و مترجـم در حـوزه مطالعات شـهری دیگر سخنران این مراسم نیز گفت: «درخصوص این کتاب، بیشـتر از هر چیزی بر سر شهر و نوستالژی بحث داشتم. در همین رابطه بگذاریـد بـه چنـد سـال قبـل و ماجرای گفت‌وگویی که برای مجله آنگاه با محسـن گودرزی، جامعه‌شـناس درباره لالـه‌زار به مفهوم عام آن انجام شـد، اشـاره کنم. آن گفت‌وگـو را از دهه‌هـای قبـل از انقـلاب شـروع کردیم، اما هرچه جلوتر می‌رفتیم، بحث درباره خود لاله‌زار کم‌رنگ‌تر می‌شد، بخصوص وقتی به سال ۵۷ نزدیک می‌شدیم و من دائم می‌پرسـیدم که لاله‌زار چه شد؟ استاد هم تأکید داشت که ما انقلاب کردیم! تو هنوز از لاله‌زار می‌پرسـی؟ ما لالـه‌زار را پشت‌سـر گذاشـتیم. نکتـه‌ای کـه وجود داشت، این بود که من در آنجا متوجه شدم که لاله‌زار به‌عنوان نماینده شهر آن روزگاران انگار در بین شور انقلابی مردم قرار نداشت و فراموش شده بود، البته طبیعی هم بود. لاله‌زار باید نفرین می‌شـد. شهر در لحظه ۵۷ نگاه به آینده داشت.»

او ادامه داد: «شاید بتوانیم بگوییم در لحظه ۵۷ یک فوتوریسـم توحیدی وجود داشت، یعنی با اینکه داشت به آینده نگاه می‌کرد، اما به بهشتی در گذشته هم نظر می‌کرد. شهر در لحظه ۵۷ در نقطه صفر خودش به فکر حرکت به سوی آینده بود و هیچ دلتنگی و نگرانی برای گذشته نداشت. البته این قضیه فقط به شـهر انقلابی برنمی‌گشت که قرار بود یک فوتوریسم توحیدی را ترسیم بکند. شروع این نگاه از دهه‌های ۳۰ و ۴۰ آغاز شده بود، آن‌زمان هم چندان دلمشغول گذشته و روح نوستالژیک خودشان نبودند.»

پورمحمدرضا در بخش دیگری از گفته‌های خود تأکید کرد: «کتاب وقتی از کلانشهرها در قرن نوزدهم صحبت می‌کند، می‌پرسد چگونـه شـهر مـدرن همچنـان شـهر نوستالژیک هم هست؟ درباره این می‌پرسد که شهر مدرن چگونه شهر نوستالژیک را هم در خودش دارد. ما این قضیه را در کلانشهر تهران خودمان هم می‌توانیم بررسی کنیم. در سال ۵۷ سرعت تحولات بسیار بالاست. شهر در سال ۵۷ پر از نوستالژی‌های مختلف اسـت. نوسـتالژی دیگری وجـود دارد که نوستالژی آرمان‌شهری اسـت. آرمان‌شهر خیلی بر ثبـات زمان تأکیـد می‌کند، یعنی چیزی که در سال ۵۷ بر آن اتفاق نظر وجود دارد را بـه عنـوان یک امـر باثبـات در نظر می‌گیرد. مفاهیمی مانند عادلانه‌تر بودن یا برابر بودن یا از بین رفتن انحصار طبقاتی و مانند اینها.»

او ادامه داد: «اما نمی‌شـود گفت که آدم‌ها همیشـه در ایـن آرمان‌شـهر توحیـدی می‌مانند؛ چون افکار عمومـی تغییر کرده و زمان هـم تغییـر می‌کنـد. شـهر بعد از سال‌های انقلاب نیازهای جدیدی پیدا کرد. بعد از حدود ۱۶ یا ۱۷ سـال از اوایل دهه ۷۰ سازمان‌هایی تأسیس شدند که وظیفه‌شان نگهداری از گذشته بود. همین حالا سروکله نوسـتالژی‌های جدیدی در این شـهر پیدا شده است. این مسـائلی که اشاره شد، در مقیاس جهانـی هم مصادیق زیـادی دارد. بگذارید در آخر به نقل قولی از ادوارد سعید اشاره کنم که می‌گوید: «ما در دورانی به‌سر می‌بریم که هیچ چیزی بیشـتر از گذشته به فروش نمی‌رسد. بعضی از این ارجاعات به گذشـته هم فقط به مسـخره کردن آن برمی‌گردد. چون گذشته فروختنی است.»

اخبار

ساعد سهیلی در «خدای جنگ»

فیلم سـینمایی «خـدای جنگ» بـه کارگردانـی حسـین دارابـی و تهیه‌کنندگـی سـعید سـعدی در چهـل و سـومین جشـنواره فیلم فجر رونمایی می‌شـود. این فیلم سـینمایی به نویسـندگی احسان ثقفـی محصـول سـازمان هنری رسـانه‌ای اوج اسـت کـه روایتـی حساس از یک اتفاق واقعی و مهمِ معاصر را به تصویر کشـیده است. سـاعد سـهیلی، داریوش کاردان، حسین سلیمانی، پیام احمدی‌نیا، نادر فلاح، مهدی فریضـه، دانیال نوراش، سیدمهدی حسینی، پیمان پورنیک و احمد یاوری در این فیلم سینمایی به ایفای نقش می‌پردازند.

روایتی از دغدغه نسل جوان

فیلم سینمایی «چشـم بادومی»، به عنوان اولین تجربـه کارگردانی ابراهیم امینی و تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی نسـب، آخرین مراحل فنی را برای حضور در جشنواره فیلم فجر سپری می‌کند. ابراهیم امینی پیش‌تر نویسندگی فیلمنامه‌هایی مانند «درخت گـردو»، «موقعیت مهدی»، «لاتـاری»، «مـرد بازنده» و «دسـته دختـران» را در کارنامه هنری خود به ثبت رسـانده است. امینی همچنیـن در آثـاری مانند «ایستاده در غبار» و «آخرین روزهای زمسـتان» بـه عنـوان بازیگردان حضور داشـته است. سـاره بیات، علی باقری و سـتایش دهقـان از دیگر بازیگران این فیلم هسـتند. در خلاصه داستان این فیلم آمده اسـت: «مائده دختر شانزده ساله شیرازی عاشق یک خواننده کره‌ای شـده و برای رسـیدن بـه او قصد دارد خـود را به سـئول برسـاند.»

انتشار اولین تصویر از الناز شاکردوست در «آرامبخش»

فیلمبـرداری فیلـم سـینمایی «آرامبخـش» همچنـان در تهران ادامه دارد. فیلم قصـه‌ای ملتهب در مـورد زنان و دختران اسـت که بـه کارگردانـی سـعید زمانیـان، تهیه‌کنندگی مجتبی رشـوند و به قلم پدرام پورامیری و سعید زمانیان جلوی دوربین رفته است.

مریلا زارعی یوکابد و بهنام تشکر فرعون شد

فیلم و سریال «موسی کلیم‌الله(ع)» به کارگردانی ابراهیـم حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی سیدمحمود رضوی در حال ساخت اسـت و عوامل پروژه بعد از اتمام و آماده‌سـازی نسـخه سـینمایی، قرار است فیلمبرداری فصـل اول سـریال را آغـاز کنند. در ایـن پـروژه مریـلا زارعی نقش یوکابد مادر حضرت موسـی(ع) و علیرضـا کمالی نقش عمـران پدر حضرت موسی(ع) را در کودکی ایفا می‌کنند. همچنین بهاره کیان‌افشار در نقـش آسـیه، بهنام تشـکر در نقش فرعون و شـکیب شجره در نقش فرمانده سـپاه فرعون ظاهر خواهند شد. در حال حاضر نسخه سینمایی «موسی کلیم الله(ع)» در حال آماده‌سازی نهایی برای اکران در جشنواره فیلم فجر است. /مهر